



لیلا شاهد

عزم راسخ یک فرستاده فلسطینی

لیلا شاهد که نمایندگی حکومت خودگردان فلسطین را در پاریس به عهده دارد در سه جبهه می‌رزمند: ایجاد یک کشور فلسطینی، حقوق

زنان و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در قلب تمدن مدیترانه.

یک کشور یهودی که انگلیسی‌ها به صهیونیست‌ها وعده داده بودند، خالی می‌گره‌ند. وقتی که نهضت ملی فلسطین پی برد راه‌های سیاسی و دیپلماتیک به جایی نخواهد رسید، به سلاح روی آورد. اولین شورش بزرگ فلسطینی‌ها، یعنی نخستین *انتفاضه*، در سال ۱۹۳۶ اتفاق افتاد. پدر بزرگ من و برادرش در این شورش شرکت داشتند. پدر بزرگم در ۱۹۳۹ دستگیر و به اردوگاه‌های نظامی سی شل فرستاده شد. او و همه دیگر سران نهضت تا ۱۹۴۵ در آنجا محبوس بودند. در این حین، زنان و کودکان را به کشورهای تحت قیمومت فرانسه تبعید کردند. به این ترتیب، مادر من که اهل بیت المقدس بود، به لبنان فرستاده شد. وی در آنجا با پدرم که از سن - ژان داکر در فلسطین برای تحصیل به لبنان رفته بود، آشنا شد و با یکدیگر ازدواج کردند. من و دو خواهرم همچون دوسوم از فلسطینی‌ها، در خارج از فلسطین متولد و بزرگ شده‌ایم.

گذاردن چیزها در جای خود می‌جنگیدیم و اثبات می‌کردیم که مسئله به رسمیت شناختن می‌تواند جنبه متقابل داشته باشد. امروز، غالب یهودی‌ها خصوصاً تاریخدان‌های جدید، اذعان دارند که فلسطین پیش از سال ۱۹۴۸ صحرا نبوده است. تحریف اطلاعاتی بزرگ دیگری که صورت گرفته، معرفی کردن ملت فلسطین به عنوان گروهی چریک و تروریست بوده است. *انتفاضه* که از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ طول کشید، تا حدود زیادی نشانگر وجود جامعه‌ای همانند سایر جوامع با همه عناصر سازنده‌اش شامل زنان و کودکان بود. با وجود این، همه داورهای غلط از میان نرفته است. فلسطینی‌ها هنوز هم قربانی دیدگاه‌های قالبی‌ای هستند که به‌طور کلی نسبت به اعراب و مسلمانان شکل گرفته است. این دیدگاه‌ها میراث دوران استعمار و نیز زاینده اندیشه‌های نژادپرستانه است.

شما به عنوان نماینده فلسطین در فرانسه و یکی از سخنگویان حکومت خودگردان غالباً مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرید. اما در کتاب شخصیت‌ها (who's who) فقط سه سطر کوچک درباره‌تان نوشته شده است؟ شاید این‌طور بهتر باشد. من مثل همه سفیرها نیستم، چون فلسطین هنوز کشور نشده است. من به عنوان نماینده ملتی که از نیم قرن پیش در پی اعاده حق به رسمیت شناخته شدن است، باید در دو جبهه مبارزه کنم. نخستین مبارزه که چندان علنی نیست شامل حفظ ارتباط مستمر با فرانسه و اتحادیه اروپا به منظور دفاع از حقوق سیاسی ملت فلسطین است. اما مبارزه دوم کاملاً علنی و رسانه‌ای است و هدف آن اثبات بعضی حقایق است. مسئله فلسطین شاید بیش از هر مسئله سیاسی بین‌المللی دیگری تحت تحریف مداوم و گسترده قرار داشته است.

شما یک «فلسطینی خارجی» هستید. خانواده شما چرا فلسطین را ترک کرد و زندگی در تبعید را چگونه یافتید؟

خانواده مادرم از ابتدا در نهضت ملی فلسطین مشارکت داشتند. این نهضت در آغاز قرن بیستم پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و آغاز قیمومت انگلیس بر فلسطین که قرار بود به استقلال منتهی شود، شکل گرفت. فلسطینی‌ها از آن زمان خواهان حق خویش مبنی بر تشکیل کشور بودند. اما خیلی زود معلوم شد که ملت فلسطین برعکس سوریه و لبنان به این هدف نخواهد رسید، زیرا بایستی جا را برای تشکیل

تا همین چندی پیش می‌گفتند ملتی به نام فلسطین وجود ندارد. فلسطین سرزمینی متروکه - یک صحرا - برای قومی بدون سرزمین، یعنی یهودیان، معرفی می‌شد. روزی که «اسرائیل» خلق شد، نام فلسطین را از نقشه‌ها و کتاب‌های تاریخ پاک کردند.

این مبارزه‌ای حیاتی بوده است. اشغالگران ده‌ها سال تصور می‌کردند که در صورت به رسمیت شناختن ملت فلسطین، خود نابود می‌شوند. اروپایی‌ها هم احساس می‌کردند اگر این کار را بکنند به آنها - که به‌خاطر قضیه نسل‌کشی، احساس گناه شدیدی هم نسبت به ایشان داشتند - خیانت ورزیده‌اند. بنابراین، ما بایستی برای

چطور وارد عرصه مبارزه سیاسی شدید؟
توسط خانواده‌ام. جنگ ۱۹۶۷ نیز شدیداً متأثرم کرد. جنگ روزی که امتحان دیپلم داشتیم، یعنی در پنجم ژوئن، آغاز شد و امتحانات را لغو کردند. ما اطمینان داشتیم که پیروز خواهیم شد. اما وقتی پس از شش روز پی بردیم همه ارتش‌های عرب - سوریه، مصر، اردن - مغلوب ارتش صهیونیست‌ها شده‌اند، به شدت یکه خوردیم. ژوئن ۱۹۶۷ برای روشنفکران عرب زلزله‌ای واقعی بود. فکر می‌کردیم که جامعه بین‌المللی نسبت به بی‌عدالتی و تبعیدی که بر فلسطینی‌ها تحمیل شده، واکنش نشان خواهند داد. اما آنها برای این پیروزی هورا

به چه منظور؟

زنان فلسطینی سازمان‌های مختلفی دارند. بسیاری از این سازمان‌ها مشغول کار روی قانونی برای تعیین موقعیت زنان و تضمین برابری حقوق با مردان در چارچوب قانون اساسی هستند، ما نقطه شروع خوبی داریم، زیرا طبق بیانیه ۱۹۸۸ کشور فلسطین دارای نظامی پارلمانی خواهد بود که برابری حقوق زن و مرد را تضمین می‌کند. البته در عمل دشواری‌هایی وجود دارد، چون ما نمی‌توانیم خود را از بقیه کشورهای منطقه که حقوق فردی را براساس شریعت اسلامی مشخص کرده‌اند، جدا کنیم. فعلاً، بحث بین غیرمذهبی‌ها و مقامات مذهبی در جامعه و در نهادهای قانون‌گذاری جریان دارد. خارج از

تأثیر مخاصمه اعراب و رژیم اشغالگر بر وضعیت زنان فلسطینی چگونه بوده است؟

بسیاری از زنان همراه شوهران افسرده و بی‌کار خود، محیط‌های سنتی و روستایی خویش را ترک گفته و به سرزمین‌های بیگانه رفتند. مردان که زمین‌هایشان غصب شده بود، چنان خود را خفیف و شرمگین حس می‌کردند که قدرت واکنش را از دست داده بودند. زنان به ناگزیر امور را به عهده گرفتند و کوشیدند به رغم امکانات ناچیز زندگی روزمره را سازماندهی کنند. شاید اگر این قطع ریشه اتفاق نمی‌افتاد، ده‌ها سال طول می‌کشید تا زنان فلسطینی از چارچوب سنتی خارج شوند.

بسیاری از زنان خود را در سرزمین‌های بیگانه، به دور از محیط سنتی دهکده‌شان و دوش به دوش مردانی نگران و بی‌کار یافتند. این مردان که زمین‌هایشان غصب شده بود، چنان خود را تحقیر شده حس می‌کردند که قدرت واکنش نداشتند.

عرصه حقوقی، برخی گروه‌های زنان برنامه‌هایی برای ترغیب زنان به کار اجرا کرده‌اند. گروه‌هایی نیز به کار تحقیقات پرداخته‌اند. دانشگاه بیرزیت دارای یگانه مرکز مطالعات مربوط به زنان است.

ولی تعداد زنان در تشکیلات فلسطینی بسیار کم است. آیا بیم آن نمی‌رود که با ظهور عوارضی همچون آنچه در الجزایر بروز کرد، زنان را به محض خاتمه دوران مبارزه دوباره روانه آشپزخانه کنند؟ نه مبارزه در برابر اشغال و نه مبارزه برای حقوق زنان هنوز پایان نیافته است. و این دو مبارزه با یکدیگر مرتبط‌اند. برای زنان، همه چیز به تحول روابط بین نیروها در بطن جامعه

به‌علاوه، دفتر امداد سازمان ملل که مسئولیت کامل آموزش و بهداشت را در اردوگاه‌های آوارگان به عهده داشت، یک نظام آموزشی مختلط و اجباری را برای کلیه پسران و دختران به وجود آورد. تا حدودی به همین علت است که میزان باسوادان در میان فلسطینی‌ها در مقایسه با سایر ملل عرب تقریباً بی‌نظیر است. با این وصف، زنان فلسطینی همیشه آگاه بوده‌اند که سهمی که در مقاومت داشته‌اند، به تنهایی ضامن برابری حقوق‌شان نیست. به همین دلیل، آنان کوشیده‌اند علاوه بر مبارزات ملی‌گرایانه در قالب تشکیلات زنان نیز خود را سازماندهی کنند.

کشیدند. من با ورود به فعالیت سیاسی، واکنش نشان دادم و نیز یک دوره آموزشی برای کاربرد اسلحه را شروع کردم که راهی نمادین برای احیای حس شرافت بود. اما به سرعت متوجه شدم که برای فعالیت چریکی ساخته نشده‌ام. پس تصمیم گرفتم به فعالیت اجتماعی و سیاسی در اردوگاه‌های فلسطینی بپردازم. در نخستین سال ورودم به دانشگاه، رشته فعالیت‌هایی را در جهت تدارک انتفاضه آغاز کردم. آوارگان در سال ۱۹۶۹ برای کسب حق سازماندهی سیاسی و خودگردانی به پا خاستند. از آن پس، گروه‌های مختلف عضو سازمان آزادی‌بخش فلسطین در اداره اردوگاه‌ها که تحت سرپرستی سازمان ملل متحد بود، شراکت و دخالت دارند. این دوره‌های بسیار پرفعالیت برای من بود. تا حدودی احساس می‌کردم به فلسطین بازگشته و تاریخ و فرهنگ خود را بازیافته‌ام.

سپس برای تحصیل در رشته مردم‌شناسی به فرانسه آمدم. در اینجا با شوهرم که اهل مراکش است آشنا شدم و برای زندگی همراه وی به کشورش رفتم. پرزیدنت عرفات در ۱۹۸۹ از من خواست نمایندگی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ایرلند را به عهده گیرم. او سپس مرا به هلند و بالاخره به فرانسه اعزام کرد.

زن بودن هیچ گاه مانعی برایتان نبوده است؟ در خانواده‌ام، ما سه خواهریم. بنابراین، هرگز ناچار نبوده‌ام از خودم در برابر مذکری دفاع کنم که خواسته باشد جایم را بگیرد. پدرم که استاد رشته پزشکی بود به برابری زن و مرد اعتقاد داشت. هم والدینم و هم شوهرم همیشه مرا در فعالیت‌هایم حمایت کرده‌اند.

روی یک خط آهن متروکه، در یکی از اردوگاه‌های آوارگان در غزه.



مصاحبه با ...

پس از ایجاد دولت فلسطین اشغالی، مخاصمه به چند کشور عربی دیگر سرایت کرد. مصر اولین قرارداد صلح را با دولت فلسطین اشغالی منعقد کرد، جنوب لبنان از ۲۰ سال پیش تحت اشغال است، منطقه جولان سوریه پس از ۳۰ سال هنوز در اشغال است و بالاخره اردن به تازگی پیمان صلحی را با دولت فلسطین اشغالی امضاء کرده است. حل مخاصمه رژیم اشغالگر - فلسطین خصوصاً ظرفیت ملت‌های مدیترانه را برای همزیستی همراه با احترام متقابل تحت آزمایش قرار خواهد داد. اگر دو طرف در این همزیستی موفق شوند، به سرمشق دیگران چون بربرها و اعراب و به ویژه ترک‌ها و کردها بدل خواهند شد. فلسطین سرزمینی مانند همه سرزمین‌های دیگر نیست، بلکه قلب تمدن مدیترانه و یگانه سرزمینی است که سه مذهب بزرگ توحیدی و فرهنگ آنها را دربرمی‌گیرد. تأثیر

غزه مختلط‌اند. این چند مدرسه خصوصی به تقاضای جریان اصولگرا جامعه ایجاد شده است.

در حال حاضر حقوق فردی زنان فلسطینی بر مبنای چه قانونی تعیین می‌شود؟

این کاملاً به محل اقامت آنان بستگی دارد. فعلاً قوانین عثمانی، انگلیسی و مصری در نوار غزه، قانون اردن در کرانه باختری و قانون دولت رژیم اشغالگر - مدنی و نظامی - در شرق بیت‌المقدس جاری هستند. اعمال قوانینی چنین متنوع بر مردمی چنین اندک، موردی استثنایی در جهان است. ما برای تدوین قوانینی کاملاً فلسطینی تلاش می‌کنیم.

شما بارها گفته‌اید که حل مخاصمه رژیم اشغالگر - فلسطین برای سراسر منطقه مدیترانه اهمیت حیاتی دارد. چرا؟

یک رویداد شماری کوچک

۱۲ الی ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸: سازمان آزادی بخش فلسطین ایجاد یک کشور دموکراتیک را اعلام و تروریسم را محکوم می‌کند. سازمان در ماه دسامبر «کشور اشغالگر» را به رسمیت می‌شناسد.

۱۲ سپتامبر ۱۹۹۲: امضای قراردادهای «دولت اشغالگر - فلسطین» در واشنگتن که دست دادن تاریخی اسحاق رابین و یاسر عرفات بر آن صحه نهاد. مذاکرات مربوط به این قراردادها در اسلو پنهانی صورت گرفته بود.

۱ ژوئیه ۱۹۹۴: عرفات برای تشکیل حکومت خودگردان به غزه می‌رود.

۴ نوامبر ۱۹۹۵: اسحاق رابین به دست یک افراطی اسرائیلی کشته شد.

۲۹ مه ۱۹۹۶: بنیامین نتانیاو به نخست‌وزیری دولت اشغالگر می‌رسد.

۲۲ اکتبر ۱۹۹۸: انعقاد قراردادهای وای پلانتیشن بین دولت اشغالگر و سازمان آزادی بخش فلسطین به منظور احیای روند صلح.

۴ مه ۱۹۹۹: پایان دوره انتقالی پنج ساله که در قراردادهای اسلو پیش بینی شده بود.

نوامبر ۱۹۱۷: وزارت خارجه بریتانیا طی اعلامیه بالفور وعده می‌دهد از ایجاد قلمرویی ملی برای یهودیان در فلسطین حمایت کند.

۱۴ مه ۱۹۴۸: اعلام موجودیت دولت اشغالگر.

۱۹۴۸-۱۹۴۹: جنگ در فلسطین که مهاجرت گسترده فلسطینی‌ها را در پی دارد. جنگ یا پیروزی ارتش دولت اشغالگر تمام می‌شود که با همسایگان عرب خود پیمان آتش بس امضا می‌کند. اردن کرانه باختری را ضمیمه خود می‌کند و مصر اداره نوار غزه را به عهده می‌گیرد.

۲۹ مه ۱۹۶۴: تأسیس سازمان آزادی بخش فلسطین (OLP)

۵ ژوئن ۱۹۶۷: جنگ شش روزه. ارتش صهیونیستی ارتش‌های متحد مصر، سوریه و اردن را شکست می‌دهد و سینا، جولان، کرانه باختری، غزه و شرق بیت‌المقدس را اشغال می‌کند.

۱ الی ۴ فوریه ۱۹۶۹: یاسر عرفات به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین می‌رسد.

سپتامبر ۱۹۷۰: سازمان آزادی بخش که از اردن اخراج شده، در لبنان مستقر می‌شود. چند ماه بعد، یک جنگ فرسایشی و کم دامنه بین سازمان آزادی بخش و ارتش دولت اشغالگر در امتداد مرز جنوب لبنان آغاز می‌شود.

۶ اکتبر ۱۹۷۲: شروع جنگ اکتبر که به جنگ کپور نیز معروف شده است. نیروهای مصر و سوریه برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی به ارتش صهیونیستی حمله می‌کنند.

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸: پیمان کمپ دیوید. این پیمان که به امضای مصر و دولت اشغالگر رسید به عقب‌نشینی ارتش صهیونیستی از سینا و انعقاد پیمان صلح انجامید.

۶ ژوئن ۱۹۸۲: ارتش صهیونیستی برای شکست دادن سازمان آزادی بخش و نیروهای سوریه، لبنان را اشغال می‌کند. قتل‌عام صدها فلسطینی در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا. عرفات ستاد کل سازمان آزادی بخش را به تونس منتقل می‌کند.

دسامبر ۱۹۸۷: آغاز «تفاهه» (قیام) در سرزمین‌های اشغالی

بستگی دارد. آینده جریانی که پرزیدنت عرفات نماینده آن است به روند صلح وابسته است. اگر وی شکست بخورد، این امر خود به خود موجب تضعیف موقعیت زنان خواهد شد.

آیا مدارس در فلسطین مختلط‌اند؟

ما دو نوع مدرسه داریم. یکی مدارس سازمان ملل در اردوگاه‌ها و دیگری مدارس حکومت خودگردان در سرزمین‌های خودمختار که از ۱۹۹۴ تأسیس شده است. همه این مدارس به جز چند مدرسه در نوار

نظام آموزشی التقاطی

فلسطینی‌ها برای تحصیلات اهمیت زیادی قائل‌اند، اما اثبات آماری این نکته به لحاظ میزان پراکندگی ملت فلسطین مشکل است. آشوب‌های سیاسی مربوط به «تفاهه» میزان باسوادی را در سرزمین‌های اشغالی تنزل داد. وانگهی، کمبود دانشمندان و متخصصان کارآمد از پیشرفت اقتصادی جلوگیری می‌کند.

عمده‌ترین هدف وزارت آموزش فلسطین که رسماً در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد، یکپارچه‌سازی نظام التقاطی مدارس عمومی و خصوصی است که میراث ۲۷ سال اشغال است. به‌طور مثال، دوره تحصیلات دانش‌آموزان در کرانه باختری به پیروی از برنامه‌های آموزشی اردن نه سال است، در صورتی که این دوره در غزه ۱۰ سال و الگوی برنامه‌ها، نظام آموزشی مصر است. علت این وضعیت به ۱۹۴۸ بازمی‌گردد. در آن زمان «دفتر امداد و فعالیت سازمان ملل برای آوارگان فلسطین در خاورمیانه» (UNRWA) که شروع به گشایش مدارس در اردوگاه‌های آوارگان کرده بود، نظام آموزشی کشورهای میزبان را در اردوگاه‌های مختلف به کار گرفت. اکنون باید به یکپارچه ساختن این نظام‌های مختلف آموزشی و هماهنگ کردن مدارس عمومی ایجاد شده توسط حکومت خودگردان، مدارس خصوصی مسلمانان و مدارس ایجاد شده توسط سازمان‌های مسیحی پرداخت. میزان تحصیلات ابتدایی کودکان دختر و پسر فلسطینی به طور کلی برابر است، اما در سطوح آموزش متوسطه و دانشگاهی، تعداد دختران کاهش می‌یابد. همه هشت دانشگاه موجود در سرزمین‌های فلسطینی و نیمی از دبیرستان‌ها (که تعدادشان به بیست باب می‌رسد) خصوصی‌اند.

وزارت آموزش فلسطین با همکاری نزدیک یونسکو که شریک دیرینه مسائل آموزشی فلسطین است، در جهت یکپارچه‌سازی نظام آموزش و نیز تأمین هزینه گسترش این نظام (که به علت بازگشت آوارگان ضرورت می‌یابد) تلاش می‌کند. اولویت مهم دیگر تهیه برنامه درسی مشخص و یکسان خصوصاً در زمینه تاریخ فلسطین است که طی دوره ۲۸ ساله اشغال موضوعی ممنوع بود. ■



اشغالی را تخلیه کند. اما حاکمیت ما فعلا فقط شامل ۳ درصد از کرانه باختری و ۶۰ درصد از نوار غزه است. قرار بوده است ما بتوانیم انتخابات پارلمانی و شوراهای شهرها را برگزار کنیم، اما انتخابات شوراها را هنوز نتوانسته‌ایم برگزار کنیم. قرار بوده است بخش اعظم مشکل‌ترین مذاکرات را در مورد وضعیت بیت‌المقدس، آوارگان، شهرک‌های یهودی‌نشین، مرزها و مسئله آب به مرحله نهایی برسانیم، ولی هنوز حتی شروع نکرده‌ایم.

مهم‌ترین مسئله، شناسایی متقابل بین فلسطین اشغالی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین و بین دو جامعه است. امروز پذیرفته شده است که ملت فلسطین وجود دارد و این ملت دارای حقوقی ملی است. دستاورد دوم آن است که حق بازگشت ما - نهضت العوده فلسطین که در تبعید شکل گرفت - به سرزمین مادری به رسمیت شناخته شده و بازگشت پرزیدنت عرفات برای ایجاد کشور فلسطین سرآغاز اعاده این حق بوده است.

برای ایجاد تأسیسات زیربنایی جدید چه اقداماتی صورت گرفته است؟

تأسیسات جاده‌ای، صنعتی و کشاورزی در سرزمین‌هایی که حکومت خودگردان اعاده کرده است، طی ۳۰ سال اشغال عملاً ناپود شده‌اند. فعلا، پیشرفت در این بخش‌ها عمدتاً به علت محاصره سرزمین‌ها توسط ارتش صهیونیستی بسیار ناچیز است. وقتی عبور و مرور انسان‌ها و جریان انتقال کالاها با مانع روبه‌رو باشد، چرخ اقتصاد از حرکت می‌ایستد. این حالت فلج در بخش‌های اجتماعی کمتر است. ما به لطف کمک‌های اتحادیه اروپا و یونسکو، به پیشرفت‌هایی چشمگیر در بخش آموزش نائل شده‌ایم. فلسطینی‌ها در سرمایه‌گذاری برای آموزش فرزندان‌شان بسیار سخاوتمندانه عمل می‌کنند، من هیچ ملت دیگری راه‌شاید جز قوم یهود، نمی‌شناسم که از دست دادن سرزمین خود را چنین با به دست آوردن دانش جبران کرده باشد. اما هنوز کار زیادی در پیش است، خصوصاً تهیه یک برنامه آموزشی مدرن و مناسب برای فلسطینی‌ها که رونوشت برنامه مصری‌ها، یا اردنی‌ها، نباشد.



کودکان فلسطینی بازی مدرسه رفتن می‌کنند.

دموکراسی را یافتند و نه امکانات را برای شکوفایی شهروندان خود در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مهیا ساختند. به همین علت، مردم اهمیتی مضاعف برای هویت خاص خویش قائل شده و در پی آرمان‌های سیاسی جان‌نشین برآمده‌اند.

دوره گذار برای اجرای قراردادهای اسلو در چهارم ماه مه پایان می‌گیرد. نتیجه این روند چگونه بوده است؟ مایوس‌کننده. روند صلح از سه سال پیش که آقای تانیاهو به قدرت رسید، متوقف شده است. بنابراین، ما از جدول زمانی تعیین شده بسیار عقب هستیم. قرار بوده است ارتش کلیه سرزمین‌های

این همزیستی مسالمت‌آمیز با فرا رفتن از منطقه نیز شامل همه تقاطعی خواهد شد که فرهنگ‌های متفاوت در پی طرد و حذف یکدیگر باشند.

فعلاً به نظر می‌رسد که فرهنگ استیلای گروهی بر گروه دیگر در جهان عرب معمول است.

پدیده نابردباری که امروز در جهان عرب - مسلمان مشاهده می‌شود، ناشی از بحران سیاسی معاصر است که با ایجاد دولت - ملت‌ها آغاز شده است. این پدیده جزء لاینفک فرهنگ عرب نیست، بلکه نتیجه شکست نظام‌هایی سیاسی است که استعمار را شکست دادند اما نه راه

جهان عرب همیشه چنین نبوده است و این پدیده‌ای بسیار جدید است. در اندلس، اروپایی‌ها و اعراب به نحوی استثنایی و بسیار ثمربخش با هم می‌زیستند تا آن که دوره تفتیش عقاید آغاز شد و مسیحیان به طرد یهودیان و مسلمانان پرداختند.



حکومت خودگردان فلسطین خود را برای سررسید مهلت چهارم ماه مه آماده کرده است؟ دولت اشغالگر تصمیم به برگزاری انتخابات پیش از موعد در هفدهم ماه مه گرفته است تا عملاً سررسید چهارم ماه مه را که در قراردادهای اسلو تعیین شده، لغو کند. پس از انقضای این مهلت، خلأیی حقوقی ایجاد خواهد شد. ما نمی‌توانیم همیشه در وضعیتی انتقالی باقی بمانیم. آیا ما خواهیم گذاشت که دولت اشغالگر حقوق مان را پایمال کند؟ آیا فلسطینی‌ها می‌توانند به‌طور یک‌جانبه تصمیم به ایجاد کشوری در کرانه باختری، غزه و شرق بیت‌المقدس بگیرند؟ آیا جامعه بین‌المللی پس از به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها، به مسئولیت‌های خود عمل خواهد کرد؟ همه این سؤالات پس از چهارم ماه مه مطرح خواهد شد.



حضور زنان در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۶

آیا شما تصمیم دارید روزی در فلسطین زندگی کنید؟

از آنجا که من هم جزء چهار میلیون آواره‌ای هستم که خارج از فلسطین زندگی می‌کنند، وضعیت من هنوز نامشخص است. وضعیت ما در مذاکرات نهایی تعیین خواهد شد. بزرگترین آرزوی من زندگی کردن در فلسطین است.

کجا؟

در بیت‌المقدس.

گفت‌وگو از
سوفی بخاری و امی اچت

مطبوعات مطالب بسیاری در مورد فساد و کج‌روی در حکومت خودگردان فلسطین نوشته‌اند. برای حل این مشکل چه اقدامی صورت گرفته است؟

این گونه کج‌روی‌ها ممکن است دامن‌گیر هر جامعه‌ای از جمله جوامع بسیار پیشرفته اروپایی هم بشود. پس ملاحظه می‌کنید که فلسطین که هنوز نه قانونی دارد و نه یک نظام قضایی، با چه مشکلاتی می‌تواند روبرو شود تا هنگامی که حکومت قانون نباشد، نه شفافیت وجود خواهد داشت و نه تکررگرایی راستین و ما هنوز حتی کشور هم نداریم.

آیا جامعه بین‌المللی به وعده‌هایش عمل کرده است؟

کاملاً. کشورهای کمک‌کننده با شایستگی آموزش و بهداشت ملتی فرو رفته در بحران اقتصادی را تأمین کرده‌اند. میزان بی‌کاری در نوار غزه ۶۰ درصد و در کرانه باختری ۴۷ درصد جمعیت فعال را شامل می‌شود. اما این کمک‌ها فقط هنگامی واقعا مؤثر خواهد بود که بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری راستین بپردازد و این امر نیز مستلزم شرایط سیاسی عادی و ثبات است.

فرم اشتراک پیام یونسکو

نام و نام خانوادگی:

شغل

اشتراک جدید تعداد مورد درخواست از هر شماره

تجدید اشتراک

شماره اشتراک

مبلغ ۶۰۰۰۰ ریال (برای اشتراک عادی) یا مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال (برای اشتراک دانشگاهیان و فرهنگیان*) را به حساب جاری

۲۹۲۳۶ بانک ملی شعبه دانشگاه تهران (کد ۸۷) واریز و اصل فیش را به نشانی مرکز انتشارات ارسال کنید.

نشانی متقاضی: استان

شهر

کد پستی

تلفن

* ارسال فتوکپی کارت شناسایی برای اشتراک دانشگاهیان و فرهنگیان الزامی است.

دفتر مرکز انتشارات و امور مشترکین: تهران، بلوار میرداماد، روبه‌روی مسجد الغدیر، خیابان شهید بهزاد حساری، کوی یکم، شماره ۱۷، تلفن ۲۲۲۵۹۷۲۸